

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی موانع و محدودیت‌های حضور زنان در فضای اجتماعی-

فرهنگی شهر تهران

ملیحه امانی^۱؛ محمد اسماعیل ریاحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۸

چکیده

تغییر در سبک زندگی متأثر از مدرنیته و بالا رفتن آگاهی، موجب گرایش روز افزون زنان به حضور در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری شده‌است. در این پژوهش، با توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی زنان و با استفاده از روش کیفی و استراتژی پدیدارشناسانه، در پی مطالعه‌ی مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی- فرهنگی آنان در فضاهای شهر تهران هستیم. نمونه‌ی مورد مطالعه، ۳۵ نفر از زنان ۲۰ تا ۶۷ ساله ساکن شهر تهران هستند که در سال ۱۴۰۰، با مراجعه به چندین نقطه‌ی پرتردد در مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران، مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع است. طبق نتایج بدست آمده، مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی- فرهنگی زنان در ارتباط با فضاهای شهر تهران، احساس عدم امنیت در فضاهای شهری، نمود فقر و عدم نشاط و سرزندگی در فضاهای شهری، به رسمیت شناخته نشدن و پذیرفته نشدن زنان در فضاهای عمومی شهر، فضاهای مردمحور، ایژه بودن زنان به لحاظ جنسی، وجود رفتارهای زننده‌ی مردانه، محدودیت‌های خانوادگی حضور زنان در فضاهای شهری، هنجارهای جنسیتی، محدودیت‌های ساختاری برای حضور زنان در برخی از فضاهای عمومی و استفاده از برخی وسایل نقلیه و ورزش‌ها و هنجارهای زن نجیب می‌باشد که تحت تأثیر سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی و منطقه‌ی محل سکونت، کار و تردد، می‌تواند شدت و ضعف داشته باشد. همچنین نوع واکنش زنان در برابر این موانع و محدودیت‌ها متفاوت است. زنان با مقاومت در برابر مشکلاتی که در فضاهای شهری با آن مواجه هستند، در پی دستیابی به کنشگری مدنی خلاق و تأثیرگذار می‌باشند. لازمه‌ی تحقق چنین امری، فعالیت‌های نهادی مانند خانواده و نهادهای آموزشی در جهت تغییر در نگرش‌ها و روابط جنسیتی و فرهنگ‌سازی پذیرش زنان در عرصه‌های عمومی است.

واژه‌های کلیدی: تهران؛ حضور زنان؛ سرمایه؛ فضاهای شهری، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی.

^۱. دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. Malihe.amani@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده‌ی مسؤول). m.riahi@umz.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

در فرهنگ ایرانی، زندگی‌نامه‌ی زنان در دو فضای کاملاً تعریف شده امکان می‌یافت، اول خانه‌ی پدر، دوم خانه‌ی شوهر و قطعاً حالت سومی وجود نداشت، اما به نظر می‌رسد در صد سال گذشته، فضای اندرونی و کنترل شده، به آهستگی مفهوم مکانی خود را برای همیشه از دست داده است و توانایی انتقال از خانه به محله و فضاهای بزرگ شهری را پیدا کرده است و بر چگونگی حضور زنان در محیط شهری تأثیر گذاشته است و تحولات مربوط به جامعه‌ی مدرن امروز موجب شده است که حضور در فضاهای شهری به گروه و جنسیت خاصی محدود نباشد و می‌توان گفت ورود زنان به عرصه‌ی عمومی پدیده‌ی نوظهوری است (رحمت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۵). به اعتقاد مک‌داول^۳، نظام دوگانه‌ی فضای خصوصی/عمومی، بخشی از دنیایی است که دوگانه‌هایی مانند زنانه/مردانه، مسکن/محل کار و مصرف و تولید؛ نقش اصلی را در ساختار اجتماعی روابط جنسیتی ایفا می‌کنند و بر کسانی که دسترسی به فضا دارند و کسانی که از آن طرد می‌شوند، تأثیر گذار است و بر این نظر است که در پرتو چنین تقسیم‌بندی است که مردان بدون هیچ‌گونه تأملی مالک خیابان و بیرون می‌شوند و زنان هم، حافظ خانه و درون (مک‌داول، ۱۹۹۹: ۱۵۸، به نقل از بهرامی برومند، ۱۳۹۵: ۶۱) و این‌گونه است که فضای شهری هیجانی را که برای مردان دارد، برای زنان ندارد و می‌تواند برای آنان مکانی ترسناک‌تر و بیگانه‌تر باشد (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۴). بنابراین اگرچه حضور زنان در فضاهای شهری روز به روز در حال افزایش است و زنان بیش از پیش در فضاهای شهری در تردد و رفت و آمد هستند، اما این حضور، همیشه با احساس امنیت و آرامش همراه نیست و زنان با مشکلات و محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی در این زمینه مواجه هستند

با این حال، تجربه‌ی زنان در ارتباط با حضور در فضاهای شهر تهران و مشکلات و محدودیت‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، با توجه به موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در مناطق مختلف تهران، متفاوت می‌باشد. همان‌گونه که محققان نیز نشان داده‌اند تفاوت در سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین، هم در سطح فردی و هم در سطح مناطق مختلف شهر تهران، شرایط و موقعیت‌های متفاوتی را می‌تواند برای زنان به همراه داشته باشد و تجربه‌ی زنان در فضاهای شهر تهران از این عوامل نابرابر می‌تواند تأثیر بپذیرد (ذکایی، ۱۳۹۵: ۶۷). از نظر محققان، در فرآیند برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فضای شهری هم نظیر دیگر حوزه‌های زندگی، زنان در حاشیه قرار دارند و آنچه را که ماهیت جنسیتی شده فضای شهری می‌دانند، می‌توان در نحوه‌ی عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک‌پذیری زنان مشاهده کرد که این محدودیت را به لحاظ فیزیکی با القاء الگوهای حرکت و رفتار

^۳. McDowell

بر پایه ترس و دسترسی محدود شده اعمال می‌کند و به لحاظ اجتماعی، با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری. به طوری که آزادی حرکت زنان در شهر به روش‌های متعددی محدود می‌شود و موانعی را بر سر تحرک و جنب و جوش آنها در شهر پدید می‌آورد (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۲۶) که می‌توان به مسائلی مانند ترس زنان از بیرون رفتن در شب و ترس از مورد حمله واقع شدن، ترس از آزار بدنی و دزدی در طول روز (همان: ۱۲۸-۱۲۹)، مزاحمت‌های خیابانی فیزیکی (جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۸)، ترس از وقوع جرم و جنایت (رضازاده و همکاران، ۱۳۸۸) و عدم حضور یا حضور کم‌رنگ ناشی از احساس ناامنی در شهر (باعزم و همکاران، ۱۴۰۱) و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد.

در این پژوهش با توجه به تجربه زیسته زنان، در پی مطالعه مشکلات و موانع حضور آنان در فضاهای شهر تهران هستیم. مشکلات و محدودیت‌های زنان در فضاهای شهری می‌تواند هم مربوط به مشکلات فضای فیزیکی شهر و طراحی شهری و به عبارتی فضای کالبدی شهر باشد که به نوبه خود نیازمند انجام پژوهش عمیق‌تری است و هم می‌تواند مربوط به تعاملات و روابط انسانی و به عبارتی فضای اجتماعی شهر باشد. در این پژوهش تأکید بر مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که زنان با حضور در فضاهای شهری با آن مواجه می‌شوند و فضای شهری هم به صورت کلی مورد نظر است و تمامی فضاهایی را در بر می‌گیرد که زنان در زندگی روزمره با حضور در این فضاها می‌توانند تجربیات گوناگونی داشته باشند. افزایش حضور زنان در جامعه و به‌طور کلی در فضاهای عمومی شهری و از طرفی آماده نبودن این فضاها در جامعه‌ای که همچنان در تعارض سنت و مدرنیته قرار دارد، می‌تواند هم برای زنان و هم برای جامعه، نتایج زیان‌آور و آزاردهنده‌ای به همراه داشته باشد، بنابراین انجام چنین مطالعاتی در جهت هر چه بیشتر نشان دادن نیازها و خواسته‌های زنان و ایجاد فضاهای امن و عاری از خشونت و همچنین افزایش شور و نشاط در فضاهای شهری، ایجاد زمینه رشد و فعالیت و خلاقیت زنان در فضاهای شهری، تغییر نگرش‌های سنتی به نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه و ایجاد تعامل و تعادل در سطح خانواده و می‌تواند مؤثر باشد. سؤالی که در این پژوهش در پی دستیابی به پاسخ آن هستیم این است که زنان در فضاهای شهر تهران، با چه مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی مواجه می‌شوند؟

پیشینه تحقیق

در ارتباط با زنان و فضاهای شهری، تحقیقات گوناگونی با رویکردهای مختلف، طی چند دهه گذشته به انجام رسیده‌است. نتایج پژوهش بیضائی و همکاران با عنوان "بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر حضور بانوان در فضاهای شهری و تحلیل اثرات تک جنسیتی شدن فضاها (نمونه مورد مطالعه: بوستان بانوان ملت مشهد)" که در سال ۱۳۹۷، انجام داده‌اند و با استفاده از روش کمی-کیفی، نیازها و امکانات

مورد نیاز بانوان جهت حضور بیشتر آنان در فضاهای شهر مشهد را مورد مطالعه قرار داده‌اند، نشان می‌دهد که ایجاد و گسترش فضاهای خاص زنانه در شهر مشهد، شاید به صورت موقتی راهکار مناسبی برای حضور زنان باشد، اما به مرور زمان، سبب کم‌رنگ شدن حضور اجتماعی آنان در فضاهای عمومی شهر خواهد شد. همچنین یاران و همکاران در سال ۱۳۹۸، در پژوهشی با عنوان "تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر احساس امنیت زنان در فضاهای باز گردشگری شهری (نمونه موردی: خیابان سی تیر تهران)، با استفاده از روش کیفی و پیمایشی به مطالعه مؤلفه‌های کالبدی فضا که موجب احساس امنیت زنان در فضاهای باز گردشگری در خیابان سی تیر، می‌شود، پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که در بخش اول خیابان سی تیر (حد فاصل خیابان نوفل لوشاتو و خیابان جمهوری) عمده مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت زنان تأمین نشده‌است و تنها حدود ۳۸ درصد معیارهای مورد نظر را تأمین می‌کند و در بخش دوم خیابان (حد فاصل خیابان جمهوری و سرهنگ سخایی) شرایط بهتری نسبت به بخش اول حاکم است به طوری که بیش از نیمی از متغیرهای مورد نیاز احساس امنیت زنان را داراست. اما در بخش سوم (حد فاصل خیابان سرهنگ سخایی تا امام خمینی) یک رابطه دوسویه حاکم است به طوری که عوامل متعددی که بر احساس امنیت زنان تأثیرگذار هستند، به میزان نسبتاً مورد قبولی تأمین شده‌اند که موجب افزایش احساس امنیت زنان در ساعات شب نیز شده‌است. "تحلیل کیفی خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر و پیامدهای آن (مورد مطالعه زنان ۲۰-۵۰ ساله شهر بندرعباس)" عنوان پژوهش انجام توسط حسینی و همکاران می‌باشد که در سال ۱۴۰۱ و با استفاده از روش کیفی و نظریه مبنایی و همچنین انجام مصاحبه‌های عمیق با ۲۴ نمونه از زنان ۲۰-۵۰ ساله شهر بندرعباس به انجام رسیده است و خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهری مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برخی شرایط علی (نظیر؛ کلیشه‌های جنسیتی، امنیت کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی، نوع پوشش و رفتار زنان در شبکه ارتباطی زنان) موجب بروز پدیده خشونت جنسی علیه زنان شده‌است و زنان در واکنش به این شرایط، از راهبردهای اجتناب اجتماعی (منفعل)، بی‌تفاوتی اجتماعی (منفعل) و مقابله اجتماعی (فعال) استفاده نموده‌اند. همچنین پژوهشی با عنوان "طرد زنان در فضای شهری" توسط باعزم و همکاران در سال ۱۴۰۱، انجام شده است که با استفاده از روش کیفی و نظریه زمینه‌ای و انجام مصاحبه با ۲۹ نفر از زنان ۲۰ تا ۴۵ ساله، به مطالعه طرد اجتماعی زنان در فضای شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بی‌پناهی اجتماعی زنان، ناشی از ساختار مردسالارانه و شرایط ساختاری، زمینه‌ای و علی است که به دنبال خود، عدم حضور زنان یا حضور کم‌رنگ آنان به خاطر حس ناامنی در شهر، کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی ناشی از داغ‌نگ اجتماعی و خود مراقبتی در زنان به علت شکسته شدن حریم زنانه را در پی داشته است و به پیامدهایی مانند آسیب دیدن زنان، بی‌تفاوتی و عادی‌انگاری و بروز احساسات ناخوشایند منتهی گردیده است.

در ارتباط با پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان به پژوهشی با عنوان " اتواتنوگرافی از فوئن کارل: زنان در فضای عمومی مردانه" که توسط راش^۷، در سال ۲۰۱۲، به انجام رسیده است اشاره کرد. در این پژوهش، محقق، با استفاده از اتواتنوگرافی و روایت شخصی و تحلیل نشانه‌شناسی و انتقادهای فمینیستی جغرافیای شهری به مطالعه حضور زنان در فضای عمومی پرداخته‌است. منابع جمع‌آوری داده، علاوه بر روایت شخصی، روزنامه‌نگاری و یادداشت‌های میدانی نیز بوده‌است و نتایج نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی از جمله تبلیغات، خصوصی‌سازی فضای عمومی و... نشان‌دهنده نابرابری تجربه زنان از فضای شهری است. " جنسیت و فضای شهری: مطالعه شهر کوچک آناتولی" عنوان پژوهشی است که توسط گانی^۵ در سال ۲۰۱۴ به انجام رسیده است. در این پژوهش، استفاده جنسیتی از فضاها در شهر آناتولی در غرب ترکیه، از طریق مشاهده مرکز شهر تاریخی و مشاهدات عابران پیاده در مکان‌های انتخاب شده در مرکز شهر، مورد بررسی قرار گرفته‌است. نتایج نشان می‌دهد که مردان در تمام زمان‌ها، بر شهر احاطه دارند در حالی که تراکم زنان حتی کمتر از نوجوانان می‌باشد. همچنین، روسو^۶، در پژوهشی با عنوان "جنسیت و نام‌گذاری مناظر شهری: سیاست‌های جنسیتی نام‌گذاری خیابان‌ها در شهری در اروپای شرقی"، که در سال ۲۰۲۲ به انجام رسیده‌است، به بررسی الگوهای جنسیتی نام‌گذاری مناظر شهری در شهر سبیبو^۷ یا هرمناشتات^۸ سابق در رومانی، با رویکرد انتقادی پرداخته‌است. برای این منظور، مجموعه‌ای از داده‌های مربوط به نام‌گذاری خیابان‌های شهر، در هفت دوره تاریخی متوالی، از سال ۱۸۷۵ تا ۲۰۲۰ را مورد بررسی قرار داده‌است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وجود یک پیش‌فرض مردانه به‌عنوان یک اصل ساختاری در نام‌گذاری مناظر شهر سبیبو در طی دو قرن مورد بررسی می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بر خلاف دموکراتیزاسیون جامعه پسا‌سوسیالیستی رومانی، مناظر خیابانی شهر سبیبو، نشان‌دهنده روایت مردسالارانه ناشی از مردانگی هژمونیک است. نتایج پژوهش نیبوی^۹ با عنوان "جهانی یا محلی - خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی: تجارب مربوط به اتوبوس‌های عمومی در شهر دارالسلام" که در سال ۲۰۲۳ به انجام رسیده است و با استفاده از پیمایش، مصاحبه‌های عمیق و مطالعات اسنادی، عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در فضاهای مربوط به حمل و نقل عمومی در شهر دارالسلام تانزانیا مورد مطالعه قرار گرفته است، نشان می‌دهد که زنان در فضاهای مربوط به حمل و نقل عمومی، انواع خشونت فیزیکی و آزار اذیت کلامی و جنسی

7. Rush

3. Guney

6. Rusu

۷. Sibiu

۸. Hermannstadt

9. Niboye

را تجربه می‌کنند. این خشونت‌ها تحت تأثیر چهار عامل فرهنگی، قانونی، جغرافیایی و اقتصادی است. همچنین این خشونت‌ها از نظر روحی و روانی، اجتماعی، سلامت و اقتصادی بر زنان تأثیرگذار است. بررسی پژوهش‌های انجام شده، به‌ویژه مطالعات داخلی نشان می‌دهد که در اکثر پژوهش‌ها مسأله امنیت زنان در فضاهای شهری و ترس آنان از حضور در این فضاها مورد توجه بوده است. همچنین برخی از پژوهش‌ها، از منظر معماری شهری، بر فضای کالبدی شهر تمرکز نموده‌اند و از توجه به فضای اجتماعی و تعاملات انسانی در فضای شهری غفلت ورزیده‌اند. در میان پژوهش‌های جامعه-شناختی نیز بیشتر نقد و رویکرد فمینیستی غالب است. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از روش پدیدارشناسی، به مطالعه تجربه زیسته زنان در فضاهای اجتماعی-فرهنگی شهر تهران بپردازد و ادراکات ذهنی آنان از مشکلات و محدودیت‌های آنان در این فضاها را مورد مطالعه قرار دهد.

چارچوب مفهومی

در این پژوهش، با الهام از نظریه بوردیو^{۱۰}، آنچه که به عنوان مفهوم اساسی مورد توجه بوده است، تفاوت در سرمایه اقتصادی و فرهنگی و چگونگی تجربه زنان در ارتباط با فضاهای شهری و مشکلات و محدودیت‌هایی است که با آن مواجه می‌شوند، می‌باشد. از نظر بوردیو، مفهوم فضا متضمن فهم دنیای اجتماعی در قالب روابط است و بر این نظر است که اگرچه فضای روابطی، ناپیدا است و به لحاظ تجربی ناآشکار است، اما اصل اساسی رفتارهای فردی و اجتماعی است (بوردیو، ۱۳۹۹: ۷۲). در فضای اجتماعی مورد نظر بوردیو، گروه‌ها و عوامل اجتماعی با توجه به دو اصل سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی تقسیم می‌شوند (گرنفل^{۱۱}، ۱۳۸۹: ۱۵۳ به نقل از موسویان، ۱۳۹۷: ۸۰). طبق نظر بوردیو، ویژگی‌های جنسی و جنسیتی از ویژگی‌های طبقاتی جدایی‌ناپذیرند: "هر طبقه، از جهتی اساسی، با جایگاه و ارزشی که به دو جنس و خلق و خوی‌های آن‌ها می‌دهد، تعریف می‌شود. به همین دلیل است که طرز تلقی‌ها درباره زنانگی به تعداد طبقه‌ها و پاره‌طبقه‌ها، کثرت و تنوع دارد و تقسیم کار بین دو جنس در طبقه‌های اجتماعی متفاوت، شکل‌های کاملاً متفاوتی پیدا می‌کند، هم در کرد و کارها و هم در بازنمایی‌ها" (بوردیو، ۱۳۹۹: ۱۶۰). بوردیو همچنین این نکته را مورد بررسی قرار می‌دهد که چگونه جایگاه اجتماعی‌ای که افراد در قالب ترتیبات تجسیدیافته (هیبتاس) و منابع مؤثر (سرمایه) حمل

^{۱۰} . Pierre Bourdieu

^{۱۱} . Grenfell

می‌کند، اشکال مناسب مشارکت اجتماعی و مشارکت عمومی، ماهیت ارتباطات‌شان و اقتداری که با آن سخن می‌گویند را شکل می‌دهد (کراسلی و رابرتز^{۱۲}، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

مفهوم فضا در بین سایر نظریه‌پردازان، معانی متفاوتی داشته است. لوفور^{۱۳}، فضا را ماهیتاً منبع و ابزاری سیاسی می‌داند که امکان تصرف و اشغال آن از سوی افراد و گروه‌های خاص و برای منافع خاص وجود دارد (زیلنس^{۱۴}، ۲۰۰۷: ۶۲، به نقل از شیرخدایی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). برای لوفور، منازعه اساسی در مرحله شهری توسعه سرمایه‌داری، نبرد برای آزاد سازی زندگی روزمره از سازمان سرمایه‌داری و فراهم کردن مدیریت فضا توسط توده‌ها و برای آنهاست. از نظر لوفور، پتانسیل جامعه شهری برای آزادی انسان بسیار زیاد است؛ اما این پتانسیل فقط از طریق مبارزه علیه سلطه فضا توسط سرمایه‌داری، امکان تحقق دارد، بنابراین با عبور از مرزهای ایدئولوژی تکنوکراتیک فضا توسط بورژوازی و ایدئولوژی اقتصادی محدود احزاب مارکسیستی موجود، می‌توان این پتانسیل را عملی کرد (سوندرز^{۱۵}، ۱۳۹۴: ۲۱۳). همچنین فمینیست‌ها، خیابان را به‌طور واضح عرصه مردانه می‌دانند و بر این نظرند که مردان درباره آن به عنوان قلمرو خاص خودشان حرف می‌زنند و به شجاعت خود درباره دنیای بیرون افتخار می‌کنند (بهلول^{۱۶}، ۱۹۹۶: ۴۴-۴۱، به نقل از بهرامی برومند، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۴). پژوهشگران فمینیست، بسیاری از رویکردهای مطالعات شهری را نیز به دلیل مردانه بودن، مورد نقد قرار داده‌اند. نقد فمینیستی بر نظریه و برنامه‌ریزی شهری که در دهه ۱۹۷۰، گسترش یافت، نشان می‌دهد که چگونه برنامه‌ریزان شهری، فضاهای جنسیتی را ایجاد کرده‌اند که عمدتاً متناسب با نیازهای مردان است (بی‌بی جون^{۱۷}، ۲۰۱۷: ۳۲۳). شاید به همین دلایل است که الیزابت ویلسون^{۱۸} (۱۹۹۱)، خاطر نشان می‌سازد که بسیاری از نویسندگان فمینیست، ضد شهر هستند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۲۴). در کل می‌توان گفت، دیدگاه فمینیستی، بسیاری از مسائل زندگی شهری مانند استفاده زنان و مردان از فضای شهری، لزوم حمایت از امنیت زنان در شهر، نیاز ویژه زنان به حمل و نقل و دسترسی و همچنین لزوم حضور فعال و برابر زنان در عرصه‌های عمومی و اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۷).

^{۱۲}. Crosley and Roberts

^{۱۳}. Henri Lefebvre

^{۱۴}. Zieleniec

^{۱۵}. Saunders

^{۱۶}. Bahloul

^{۱۷}. BeeBeejaun

^{۱۸}. Elizabeth Wilson

روش تحقیق

در این پژوهش، با استفاده از روش کیفی و استراتژی پدیدارشناسانه، تجربه‌ی زنان در ارتباط با فضاهای شهر تهران و مشکلات و محدودیت‌های آنان در این فضاها مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف از پدیدارشناسی، تبیین ساختار یا جوهره‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی یک پدیده در جستجوی وحدت معناست که عبارت است از شناسایی ماهیت یک پدیده و توصیف دقیق آن از طریق تجربه‌ی زیسته‌ی روزمره (رز، بیبی و پارکر^{۱۹}، ۱۹۹۵: ۱۱۲۴، نقل از استرابت و کارپنتر^{۲۰}، ۲۰۱۱: ۷۸). رهیافت پدیدارشناسی مورد استفاده در این پژوهش، پدیدارشناسی استعلایی یا تجربی است که کمتر به تفاسیر پژوهشگر و بیشتر به توصیف تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش تأکید دارد.

جامعه‌ی مورد مطالعه، زنان ساکن شهر تهران هستند. روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع است. نمونه‌ی مورد مطالعه، ۳۵ نفر از زنان ۲۰ تا ۶۷ ساله هستند که در سال ۱۴۰۰، با مراجعه به چندین نقطه‌ی پرتردد در مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران، مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. به منظور انتخاب نمونه‌ای متنوع، سعی شده است تا زنانی در مطالعه شرکت داده شوند که به لحاظ سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، منطقه‌ی محل سکونت، محل کار و یا تردد و متفاوت باشند. فرآیند نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که به این نتیجه رسیدیم که انجام مصاحبه‌ی جدید، اطلاعات بیشتری در اختیار ما نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است. به این ترتیب، بعد از انجام تعداد ۳۰ مصاحبه‌ی عمیق، به اشباع نظری رسیدیم، با این حال برای افزایش دقت یافته‌ها، مصاحبه‌ها را تا سی و پنجمین نفر، ادامه دادیم و سپس فرآیند نمونه‌گیری متوقف شد. جدول شماره‌ی یک، ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی یک- ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی مصاحبه‌شوندگان

کد	سن	تحصیلات	شغل	میزان درآمد در ماه (به تومان) (فرد مصاحبه‌شونده- خانواده)	وضعیت تاهل	منطقه‌ی محل سکونت
۱	۳۷	فوق لیسانس	معلم مدرسه غیر دولتی	۴ میلیون- ۵ میلیون	مجرد	۲۰
۲	۲۵	لیسانس	مسئول باشگاه ورزشی	۲ تا ۳ میلیون- ۶ تا ۷ میلیون	مجرد	۷
۳	۳۱	دیپلم	نیروی خدماتی	۲ میلیون- با خانواده زندگی نمی‌کند	مطلقه	۱۲

^{۱۹} . Rose, P., Beeby, J., & Parker, D

^{۲۰} . Streubert & Carpenter

مطالعه جامعه‌شناختی موانع و محدودیت‌های حضور زنان در فضای اجتماعی - فرهنگی شهر..... ۴۶

کد	سن	تحصیلات	شغل	میزان درآمد در ماه (به تومان) (فرد مصاحبه شونده - خانواده)	وضعیت تاهل	منطقه محل سکونت
۴	۴۸	دیپلم	کارمند بخش دولتی	۳ میلیون - ۴ میلیون	متاهل	۸
۵	۴۴	فوق دیپلم	کارمند بخش خصوصی	۵ تا ۶ میلیون - ۶ میلیون	متاهل	۵
۶	۳۳	لیسانس	مربی باشگاه ورزشی	۳ تا ۴ میلیون - ۶ تا ۷ میلیون	مجرد	۷
۷	۲۸	لیسانس	کارمند بخش خصوصی	۲ تا ۳ میلیون - با خانواده زندگی نمی‌کند	مطلقه	۶
۸	۴۳	لیسانس	خانه‌دار	۰ - ۶ میلیون	متاهل	۹
۹	۲۷	لیسانس	عروسک‌سازی در منزل	۳ تا ۴ میلیون - ۶ میلیون	مجرد	۱۵
۱۰	۳۶	فوق لیسانس	معلم مدرسه غیر دولتی	۵ میلیون - ۱۰ تا ۱۵ میلیون	مجرد	۴
۱۱	۳۷	فوق دیپلم	خانه‌دار	۰ - ۱۰ میلیون	متاهل	۱۳
۱۲	۲۶	دکترای داروسازی	دانشجو	۰ - ۸ میلیون	مجرد	۶
۱۳	۲۲	کاردانی	دستفروش مترو	۳ میلیون - ۲ تا ۳ میلیون	متاهل	۱۷
۱۴	۴۹	سیکل	نیروی خدماتی	۳ میلیون - با خانواده زندگی نمی‌کند	بی‌همسر بر اثر فوت	۱۶
۱۵	۴۳	دانشجوی دکتری	دانشجو	۰ - ۶ تا ۷ میلیون	مجرد	۶
۱۶	۳۵	لیسانس	دستیار کارگردانی	۵ تا ۶ میلیون - با خانواده زندگی نمی‌کند	مطلقه	۹
۱۷	۲۵	دکترای عمومی	دانشجو	۰ - ۶ میلیون	مجرد	۹
۱۸	۳۱	کارشناسی ارشد	کارمند بخش خصوصی	۵ تا ۶ میلیون - با خانواده زندگی نمی‌کند	مجرد	۱۰
۱۹	۴۲	لیسانس	خانه‌دار	۰ - ۸ میلیون	متاهل	۲
۲۰	۵۰	لیسانس	خانه‌دار	۰ - ۶ تا ۷ میلیون	متاهل	۹
۲۱	۳۸	دانشجوی دکتری	پژوهشگر	۲ تا ۳ میلیون - سرپرست خانواده است	مجرد	۷
۲۲	۴۲	اول راهنمایی	دست‌فروش (مترو)	۳ میلیون - سرپرست خانواده است	متاهل	۱۶
۲۳	۴۸	دیپلم	خانه‌دار	۰ - ۴ تا ۵ میلیون	متاهل	۹
۲۴	۳۶	کارشناسی ارشد	کارمند بخش خصوصی	۶ میلیون - ؟	مجرد	۶
۲۵	۵۶	دانشجوی دکتری	پژوهشگر	۱۰ میلیون - ۱۵ میلیون	متاهل	۱
۲۶	۴۴	لیسانس	خانه‌دار	درآمد خانواده: هفت تا هشت میلیون	متاهل	۹
۲۷	۴۴	دکتری	محقق	۵ میلیون - ۱۵ تا ۲۰ میلیون	متاهل	۵

کد	سن	تحصیلات	شغل	میزان درآمد در ماه (به تومان) (فرد مصاحبه‌شونده- خانواده)	وضعیت تاهل	منطقه محل سکونت
۲۸	۳۵	لیسانس	خانه‌دار	۰-۸ میلیون	متاهل	۱۲
۲۹	۳۵	کارشناسی ارشد	دانشجو	۰-۴ تا ۵ میلیون	مجرد	۲
۳۰	۴۹	سیکل	دستفروش (مترو)	۳میلیون- با خانواده زندگی نمی‌کند	متارکه	۱۵
۳۱	۶۷	لیسانس	بازنشسته بخش دولتی	نه میلیون - ۷ تا ۸ میلیون	متاهل	۱
۳۲	۴۲	کارشناسی ارشد	کارمند بخش دولتی	۱۲ تا ۱۳ میلیون - ۱۵ تا ۱۶ میلیون	متاهل	۳
۳۳	۴۷	کارشناسی	-شرکت خانوادگی - (خلبان) معلم خلبانی	۱۵ تا ۲۰ میلیون- ۲۰ تا ۲۵ میلیون	متاهل	۲
۳۴	۳۵	کارشناسی	دست‌فروش (حاشیه خیابان)	۳ میلیون- با خانواده زندگی نمی‌کند	مجرد	۱۱
۳۵	۲۰	دیپلم	دانشجو	۰-۵ تا ۶ میلیون	مجرد	۲۲

ابزار مورد استفاده جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته است. مدت زمان انجام مصاحبه از ۴۵ دقیقه تا ۸۰ دقیقه متغیر بوده است و به دنبال دستیابی به ژرفای ذهن مصاحبه‌شوندگان بوده‌ایم. روش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون می‌باشد، به این صورت که تمامی متن هر مصاحبه، به طور دقیق خوانده شد و سپس جملاتی را که مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با مشکلاتشان در فضای شهری تهران مطرح کردند و معنای هر جمله، به صورت مفاهیم نوشته شد و کدهای توصیفی از درون متن مصاحبه‌ها، استخراج شد و این کدها به مفاهیم انتزاعی‌تر تبدیل شدند و در چندین مرحله، با یکدیگر ترکیب شدند و تم‌ها و مقوله‌های اصلی از آنها استخراج شد.

به منظور اندازه‌گیری اعتبار پژوهش، از رویه‌های مربوط به انجام پژوهش پدیدارشناسانه بهره گرفته شده‌است که شامل تکنیک‌هایی نظیر؛ فهم تجربه مشترک در بین زنان مورد مطالعه، ایجاد صمیمیت و همدلی در میدان، انجام مصاحبه‌های عمیق با مصاحبه‌شوندگان متعدد و نیز جداسازی تجربه محقق نسبت به فضاهای شهر تهران در جهت رسیدن به نتایج دقیق‌تر بوده است. علاوه بر این، به منظور نشان دادن تجربه واقعی مصاحبه‌شوندگان، ضمن یادداشت‌برداری‌های مداوم، مصاحبه‌ها نیز به دقت پیاده‌سازی شده‌اند. در نهایت، فرآیند رفت و برگشتی از طریق کنار هم قرار دادن یادداشت‌ها

و مصاحبه‌های پیاده شده با مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده در جهت بررسی همسانی و قابلیت اعتماد انجام شد.

یافته‌های تحقیق

در ارتباط با شرایط ساختاری حضور زنان در فضاهای شهری، در سطح روابط انسانی و اجتماعی در شهر و به عبارتی فضای اجتماعی- فرهنگی شهر تهران، موانع و محدودیت‌های متعددی از سوی مصاحبه‌شوندگان، با توجه به موقعیت‌ها و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، مطرح شده است. جدول شماره دو، مقولات کلیدی مربوط به موانع و محدودیت‌های زنان در ارتباط با فضای اجتماعی- فرهنگی شهر تهران را نشان می‌دهد.

جدول شماره دو-مقوله‌های کلیدی موانع و محدودیت‌های زنان در ارتباط با فضای اجتماعی- فرهنگی شهر تهران

مقوله اصلی	زیر مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌های فرعی
موانع ساختاری مربوط به فضای اجتماعی شهر (روابط انسانی و اجتماعی فضای شهری)	۱) نمود فقر و عدم نشاط و سرزندگی در فضاهای شهری	- تنش در روابط افراد به خاطر فشار اقتصادی - افزایش دستفروشان، کارگران، متکدیان و کودکان کار در فضای شهر
	۲) احساس عدم امنیت در فضاهای شهری	- فضاهای تاریک و خلوت - فضاهای محل تجمع مردانه - سرقت و خفت‌گیری و...
	۳) به رسمیت شناخته نشدن و پذیرفته نشدن زنان در فضاهای عمومی شهر	- کلیشه‌های جنسیتی (رفتارهای تحقیر آمیز هنگام رانندگی کردن زنان مثل پشت لباسشویی بشین، لگن، الاغ سوار و.....) - پذیرفته نشدن فعالیت‌های زنان در فضای عمومی (مثل پیاده‌روی، دویدن و ورزش کردن و) - عدم توجه به ویژگی‌های بدنی زنان در سطح شهر (ظرافت و شکننده بودن زنان و....)
	۴) فضاهای مردم‌محور	- فضاهایی که حضور اکثریتی مردان است - به رسمیت شناخته نشدن حضور زن‌ها در فضاهایی مثل تعمیرگاه، مراکز تعویض پلاک، پمپ بنزین و دفترخانه‌ها و... - به رسمیت شناخته نشدن فعالیت‌هایی مثل خرید و فروش ماشین و خرید و اجاره مسکن و...
	۵) ایزه بودن زن به لحاظ جنسی	- نگاه ابزاری به زن - تعرض و آزار و اذیت جنسی جسمی و کلامی (لمس بدن و شنیدن حرف‌های آزار دهنده در فضاهای عمومی، وسایل نقلیه عمومی، محیط کار و...)
	۶) وجود رفتارهای زننده مردانه در سطح شهر و فضاهای عمومی	- قلدری مردان در سطح شهر - حرف‌های رکیک، داد زدن، ریختن آب دهان توسط مردان در فضاهای شهری - زد و خورد خیابانی توسط مردان و

مقوله اصلی	زیر مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌های فرعی
	۷) محدودیت‌های خانوادگی حضور زنان در فضاهای شهری	- تعریف اولویت همسری و مادری برای زنان - تقسیم نامتعادل وظایف بین زن و مرد در درون خانواده (خانه‌داری و تربیت بچه مربوط به خانم است و) - نداشتن مالکیت زنان بر وسایل زندگی (ماشین، خانه و ...)
	۸) محدودیت‌های ساختاری، برای حضور زنان در فضاهای عمومی و استفاده از برخی وسایل نقلیه	- ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه - ممنوعیت موتور سواری زنان در سطح شهر
	۹) هنجارهای جنسیتی	- زنان را عامل تحریک مردان دانستن از طریق پوشش و رفتار - مقصر دانستن زنان زمانی که در معرض تجاوز قرار می‌گیرد و...
	۱۰) ارزش‌ها و هنجارهای زن نجیب	- تعریف نشدن شادی و رفتارهای شاد برای زنان در فضای عمومی مثل بلند خندیدن، آواز خواندن، رقصیدن و ... - وجود تعصبات شدید نسبت به خانم‌ها و

۱) نمود فقر و عدم نشاط و سرزندگی در فضاهای شهری

مناسب نبودن سیمای شهر به لحاظ حس و روحیات زنانه از مشکلات مطرح شده توسط زنان است، بطوری که برخی از مصاحبه‌شوندگان، نمود فقر در فضای شهری و تنش‌های موجود در روابط افراد به خاطر فشار اقتصادی را موجب نا آرامی و نامرتب بودن فضای شهری می‌دانند. چنین فضاهایی در مناطق مرکزی و پایین شهر بیشتر از مناطق بالاتر شهر تهران قابل مشاهده است.

خانم ۶۷ ساله‌ای که ساکن منطقه ۱ می‌باشد، در این مورد می‌گوید: "مترو که سوار می‌شم، فروشنده‌ها، انقد فریاد می‌زنن که اصلا آرامش ناداری، لگد می‌خوری، چرخشون به پاتون می‌خوره، ممکنه ایستگاه‌تو از دست بدی، چون بلند حرف می‌زنن اما اونا هم برای یه لقمه نون او ملدن".

همچنین خانم ۴۴ ساله‌ای که ساکن منطقه ۵ می‌باشد، می‌گوید: "تو صف بی‌آرتی می‌بینم همه اکثرا عبوسن همه گرفته‌ان، تنوع و تفریح تو زندگی مردم نیست، همش تکرار مکرراته همش روزمرگی، به نظر من کمتر کسی پیش میاد که تنوعی تو زندگیش داشته باشه، وقتی که میبینم چهره‌ها کسله و گرفته است و مردم بدو بدو می‌کنن و به هیچی نمی‌رسن و حتی تو روزمرگی هاشونم موندن من واقعا احساس ناراحتی می‌کنم هرچند که خودم الان شغل دارم، شوهرمم داره".

۲) احساس عدم امنیت در فضاهای شهری

یکی از عمده‌ترین موانع و مشکلاتی که زنان در فضاهای شهر تهران با آن مواجه هستند، وجود فضاهای نا امن است که این ترس و نا امنی هم ترس و وحشت مربوط به سرقت و خفت‌گیری و هم ترس مربوط به در معرض تجاوز و آزار و اذیت قرار گرفتن را شامل می‌شود.

خانم ۴۴ ساله‌ای که تحصیلات دکتری دارد، محقق و متأهل و ساکن منطقه ۵ است، در این ارتباط می‌گوید: "هر جا که خلوت‌تره، پیاده‌رو باریک‌تره، تاریک‌تره من ترس بیشتری دارم آگه به مردی بیاد منو گیر بندازه چیکار کنم".

یا خانم ۴۴ ساله دیگری که تحصیلات کارشناسی دارد، خانه‌دار است و ساکن منطقه ۹ می‌باشد، می‌گوید: "پل هوایی که فضا تنگه و یه مرد داره از کنارت رد میشه آدم می‌ترسه. بعضی از پل هوایی‌ها دو طرفش هم بسته است با تابلوهای تبلیغاتی. اونجا تنهایی اون آدم میتونه لمست کنه حرف زشت بزنه به کاری بکنه و تو نمیتونی از خودت دفاع کنی".

همچنین خانم ۳۶ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی ارشد دارد، معلم مدرسه غیر انتفاعی است و ساکن منطقه ۴ می‌باشد، می‌گوید: "جایی که خانم و آقا نباشن و فقط آقا باشه امنیت ندارم. تجمع مردها به جایی زیاد باشه جالب نیست. اینارو پارک شهر و بازار تهران زیاد می‌بینم. مردهایی که پرسه زنن، هدف خاصی ندارن".

برخی از مصاحبه‌شوندگان هم احساس عدم امنیت در فضاهای عمومی را در مناطق مختلف تهران و در ساعات مختلف شبانه‌روز، به‌گونه‌ای متفاوت تجربه کرده‌اند، از نظر آنان، احساس امنیت و آرامش در مناطق مختلف شهر تهران و همچنین در ساعات مختلف، متفاوت است.

خانم ۳۸ ساله‌ای که دانشجوی و مجرد و ساکن منطقه ۷ است، می‌گوید: "با دوستانم ساعت ۱۱ شب می‌ریم سمت ولنجک، سعادت آباد، قلهک، نیاوران. اما تو روز ترجیح می‌دیم وسط شهر تهران. چون شباً بالا شهر احساس می‌کنم امنیت بیشتره".

خانم ۳۷ ساله‌ای که تحصیلات فوق دیپلم دارد، خانه‌دار و ساکن منطقه ۱۳ می‌باشد، می‌گوید: "هوا تاریک میشه جرأت نمی‌کنم تا سر کوچه برم. به خاطر خفت‌گیرا. چون کوچمون هم بن‌بسته، من خودم می‌شنوم که حتی موتوری‌ها رد میشن و گوشی‌ها رو می‌زنن".

همچنین خانم ۴۹ ساله‌ای که همسر خود را از دست داده و تنها زندگی می‌کند و تحصیلات زیر دیپلم دارد، کار خدماتی انجام می‌دهد و ساکن منطقه ۱۳ می‌باشد، می‌گوید: "میدان شوش جرأت ندارم پیاده برم. سمت لب خط، باید حتماً با مرد باشی یا معتاد دنبالت میاد یا ولگرد یا ارادل و او باش".

۳) به رسمیت شناخته نشدن زنان در برخی فعالیت‌ها و پذیرفته نشدن آنها در فضاهای

عمومی شهر

پذیرفته نشدن فعالیت‌های ورزشی و مشکلات مربوط به استفاده از وسایل نقلیه جهت تردد در فضای شهری از مشکلاتی است که زنان در فضای شهری با آن مواجه هستند. چنین تجربه‌هایی در بین زنان با سرمایه اقتصادی و فرهنگی بالا و پایین و همچنین در مناطق مختلف شهر تهران نیز، متفاوت است.

خانم ۳۱ ساله‌ای که مجرد است و تحصیلات کارشناسی ارشد دارد و ساکن منطقه ۱۰ می‌باشد، می‌گوید: "دوچرخه‌های بی دود من خودم چندین بار سوار شدم، انگار که دوتا شاخ رو کله‌شون درمیارن وقتی میبینن یک خانم سوار دوچرخه است و رکاب میزنه".

همچنین خانم ۳۸ ساله‌ای که مجرد است و دانشجوی دکتری و ساکن منطقه ۷ می‌باشد، می‌گوید: "تو پارکی که نزدیک ماست اگه برم بدوام، اتقد بهم تیکه میندازن. مثلا اگه لباسا ورزشی بپوشی، میگن کمک میخوانین، ماهم بیایم بدویم باهاتون، ورزشکارنا... خیلی براشون عجیبه".

همچنین خانم ۴۷ ساله‌ای که ساکن منطقه ۲ و متأهل است و تحصیلات کارشناسی دارد، می‌گوید: "پشت چراغ قرمز و ایستاده باشین اگر دو ثانیه دیرتر وقتی چراغ سبز میشه حرکت کنین حتما صدتا جمله و اراجیف می‌شنوی که کی به تو گواهینامه داده، ای بابا مگه پشت الاغ نشستی ای بابا زنها با این رانندگی‌شون و من در ۹۹ درصد مواقع، شخص رو مجبور می‌کنم از من عذرخواهی کنه".

برخی از مصاحبه‌شوندگان، به عدم توجه به صفات و ویژگی‌های زنان در مراودات و تعاملات در فضای شهری اشاره کرده‌اند.

خانم ۳۷ ساله‌ای که متأهل و دارای تحصیلات دیپلم است و ساکن منطقه ۱۳ می‌باشد، در این ارتباط می‌گوید: "آقایون هم یادشون میره این زنه داره اینجا راه میره، شکننده است، ضعیفه مثلا اجازه بدین اول این سوار تاکسی بشه شاید این خسته‌تر باشه. اون ویژگی زن بودن را تو اجتماع نمی‌بینند".

۴) فضاهای مرد محور

از دیگر موانع ساختاری مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، فضاهایی است که حضور زنان در آنجا پذیرفته نیست مانند فضاهایی که حضور اکثریتی مردان است.

خانم ۳۶ ساله‌ای که مجرد است و تحصیلات کارشناسی ارشد دارد و ساکن منطقه ۴ می‌باشد، می‌گوید: "موبایل فروش‌ها و لپ‌تاپ فروش‌ها ممکنه کلاه بدارن سرت، یا اداره مالیات و مراکز

تعویض پلاک خودرو، واقعا مردونه است یا کارهایی مثل بردن ماشین به تعمیرگاه، خریدن و اجاره کردن خونه. من خودم می‌خواستم ماشین بخرم. منو خیلی از این عوالم دور می‌دیدن. توضیحی که برای به مرد میدن برای من نمی‌دادن اصلا خودشون اذیت نمی‌کردن فکر می‌کردن من سر در نمی‌ارم."

یا خانم ۳۸ ساله‌ای که مجرد است و دانشجوی دکتری و ساکن منطقه ۷ می‌باشد، می‌گوید: "در یک ارگان دولتی، من برای به کاری اذیت شدم و مجبور شدم داداشمو ببرم تا با اون آقا صحبت کنه. چون داداش من مث اون آقا زبانشو میدونست. به خانوم نمیتونه صحبت از زیر میزی بکنه چون به چیزدیگه فکر میکنن ولی وقتی آقا زیر میزی میخواد بده پوله صد در صد."

۵) ابژه بودن به لحاظ جنسی

آزار و اذیت‌های خیابانی و در محیط کار، از عمده‌ترین مشکلات مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان بوده‌است. تجربه چنين آزار و اذیت‌هایی در نقاط مختلف تهران، متفاوت است. برخی از مصاحبه‌شوندگان، تجربه‌های آزار و اذیت را در موقعیت‌های مختلف (رانندگی، ایستگاه‌های مترو، اتوبوس، تاکسی و....) تجربه کرده‌اند.

خانم ۲۷ ساله‌ای که مجرد است، می‌گوید: "خیلی پیش اومده موقع رانندگی که تو اتوبان بوق می‌زنن با اشاره می‌گن شماره بدم."

یا خانم ۴۹ ساله‌ای که همسر خود را از دست داده است و ساکن منطقه ۱۳ می‌باشد، می‌گوید: "ان من سلسیل میشینم به وقتایی برم بیرون، می‌بینم علنا پسره شمارشو میده، حتی منم که سن بالام. اینا جنوب شهر بیشتره."

همچنین خانم ۴۷ ساله‌ای که متأهل است، می‌گوید: "اگر کنار خیابون و ایستم و تاکسی بگیرم قبل از اینکه تاکسی جلوی پای من و ایسته پونصد تا ماشین جلوی پای من و ایمیسته و به من پیشنهادهای شرم‌آور پولی میدن بدون توجه به اینکه من ظاهرم جچوریه. حتی وقتی که من با دخترم میام بیرون، در حضور دخترم متلک میشنوم."

همچنین خانم ۴۲ ساله‌ای که متأهل است و فروشنده مترو می‌گوید: "من به سری تو مترو نشسته بودم شال سرم بود، موهام به ذره بیرون بود به آقایی اومد به من کرد، به نگاه به کیفام، برگشت به من گفت تو که خیلی خوشگلی اصلا بهت نمیداد فروشنده باشی. بعد برگشت به من گفت من کیف میخوام گفتم اگه خرید دارید خرید کنید ۲۸۰ تومن پول کیفه بود، گفت ۴۰۰ بکش، قشنگ معلوم بود به نیت دیگه داشت گفتم اگه میخواستم از این کارا بکنم اینجا نمیومدم."

برخی از مصاحبه‌شوندگان وجود پوشش و حجاب را وسیله‌ای در جهت حفظ امنیت در مقابل این آزار و اذیت‌ها می‌دانند.

خانم ۴۲ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی ارشد دارد، شاغل و متأهل است و دارای پوشش چادر است و ساکن منطقه ۲ می‌باشد، می‌گوید: "من حس می‌کنم که چادر من باعث میشه که اون آدمه فکر کنه این تو روابط دوستی و راحت بودن و راحت حرف زدو اینا نمی‌گنجه، شاید کمتر سمت من بیان". اما برخی از مصاحبه‌شوندگان، نوع پوشش را در تجربه آزار و اذیت‌های جسمی، جنسی و کلامی مؤثر نمی‌دانند.

خانم ۴۳ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی دارد، خانه‌دار است و دارای پوشش چادر و ساکن منطقه ۹ می‌باشد، می‌گوید:

"من با اینکه چادر دارم امنیت ندارم. یه سری یه موتوروری دنبال من راه افتاد، می‌گفت من کاری ندارم فقط می‌خوام شمارمو داشته باشی بعضی وقتها باهم باشیم".

۶) وجود رفتارهای زننده مردانه در سطح شهر و فضاهای عمومی

از دیگر مشکلات ساختاری که زنان در فضای شهری با آن مواجه هستند، رفتارهای مردانه‌ای است که زنان آن رفتارها را نمی‌پسندند. مصاحبه‌شوندگان در مناطق پایین‌تر شهر تهران، چنین رفتارهایی را بیشتر تجربه کرده‌اند.

خانم ۳۱ ساله‌ای که مجرد است، تحصیلات کارشناسی ارشد دارد و ساکن منطقه ۱۰ می‌باشد، می‌گوید: "خیلی جاها فحش و حرف‌های رکیک و ناسزا تو پایین شهر خیلی عادیه، مخصوصا جنوب شهر سمت جوادیه، نازی آباد... زد و خورد خیابونی، کیف قاپی، آزار جنسی، فحش، ناسزا، فحش‌های مثبت ۱۸ تو اون محلات خیلی زیاده ولی تجربه‌ش که بری، کمتره، اما از زعفرانیه به بالا آدم‌ها اینطوری نیستن".

یا خانم ۲۷ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی ارشد دارد، مجرد است و ساکن منطقه ۲۰ می‌باشد، می‌گوید: "بین جوونا زیاد شده که حتی جلوی خانم‌ها حرف‌های زشت می‌گن. حرف‌های جنسی، فحش‌های جنسی و بد. هم تو پارک دیدم، هم تو مسیر بازار دیدم، هم موقع خرید رفتنای ساده که جوونا باهم تو خیابون راه میرن دیدم".

همچنین خانم ۴۴ ساله‌ای که تحصیلات فوق‌دیپلم دارد، متأهل و شاغل است و ساکن منطقه ۵ می‌باشد، می‌گوید: "مثلا تو تره‌بار، یه کوچولو بنحوای مؤدب باشی باید بری ته صف وایستی. برای ده

دقیقه تو صف و ایستادن چنان باهمدیگه بحث می‌کنند. بیشترین عامل برپا کننده این بلواها آقایون هستن. خوب آقایون همیشه سالار بودند، همیشه قلدر بودن و همیشه بهشون بها دادند، دیگران باید تابع اونا باشند!"

۷) محدودیت‌های خانوادگی حضور زنان در فضاهای شهری

برخی از محدودیت‌هایی که زنان مطرح کرده‌اند، اگر چه مربوط به خانواده هستند، اما سرچشمه اصلی آن‌ها به فرهنگ، قانون و عرف برمی‌گردد که موجب شکل‌گیری کلیشه‌های سنتی نقش جنسیتی می‌شود و در نهایت به‌عنوان موانعی برای حضور زنان در فضاهای شهری عمل می‌کنند. طبق نتایج به دست آمده، محدودیت‌هایی که به لحاظ حقوقی و قانونی، عرفی و فرهنگی، برای زنان در جایگاه‌های مختلف تعریف شده است، بر نحوه حضور آنان در فضاهای عمومی و چگونگی روابط اجتماعی که در فضای شهری دارند و حتی بر نپذیرفته شدن آنان در فضاهای شهری هم توسط مردان و هم توسط خود زنان تأثیرگذار است.

خانم ۳۱ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی ارشد دارد، شاغل در بخش خصوصی است، مجرد است و ساکن منطقه ۱۰ می‌باشد، می‌گوید: "همچنان نگاه بارورانه و اینکه زن باید بشینه خونه مادری کنه و بچشو به دنیا بیاره و مسؤولیت‌های زنانگی داره برای مردها مهمه. دوست من خیلی علاقه داره بیرون کار کنه و تو محیط کار باشه، آرایشگر خیلی حرفه‌ایه ولی از وقتی ازدواج کرده، اهرم فشار پدرش و همسرش بعد از ازدواج اینه که بشین بچتو بزرگ کن!"

محدودیت‌های قانونی مربوط به خانواده از دیگر موارد مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان است.

خانم ۲۷ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی ارشد دارد، معلم است و مجرد است و ساکن منطقه ۲۰ می‌باشد، در این ارتباط می‌گوید: "خیلی از قانون‌ها حق زانو ضعیف کرده. مثل ارث، دیه، سقط جنین. من بخوام یه مسافرت خارجی برم باید اجازه بابام باشه، ازدواج هم بکنم شوهرم باید بنذاره خوب این باعث میشه تو خود شهر هم اجازه نداشته باشم بیرون!"

در ارتباط با تأثیر نحوه تقسیم وظایف در خانواده بر اساس عرف و آنچه که در جامعه پذیرفته شده است، برخی از مصاحبه‌شوندگان بر این نظر هستند که چنین تقسیم وظایفی موجب جاماندن زنان از عرصه‌های اجتماعی است.

خانم ۴۲ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی ارشد دارد، متأهل و شاغل است و ساکن منطقه ۳ می‌باشد، می‌گوید: "منو همسر که با هم داریم یه جا کار می‌کنیم نقد که شاید من مرخصی بگیرم

بابت اینکه می‌خوام مدرسه دخترم برم، می‌خوام دخترمو ببرم فلان دکتر، همسر من قاطی این کار نیست. اکثر کارها گردن مادریه و این باعث میشه خیلی جاها عقب بیوفتم."

نداشتن مالکیت زنان بر وسایل زندگی مثل ماشین از دیگر محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری است که مصاحبه‌شوندگان مطرح کرده‌اند.

خانم ۴۴ ساله‌ای که تحصیلات فوق دیپلم دارد، شاغل و متأهل است و ساکن منطقه ۵ می‌باشد، می‌گوید: "چون ماشین مال همسرمه به استرس‌هایی هست، بر حسب مسئولیتی که دارم می‌گم ماشینو کنار خیابون نمی‌تونم بذارم، جریمه هم که بشم شب باید پیام غر شوهر و تحمیل کنم، پس با اسنپ برم بهتره."

۸) محدودیت‌های ساختاری، برای حضور زنان در فضاهای عمومی و استفاده از برخی وسایل نقلیه

محدودیت‌های مربوط به عدم اجازه ورود زنان به برخی از فضاها مثل ورزشگاه‌ها از موانع ساختاری است که مصاحبه‌شوندگان بیان داشته‌اند.

خانم ۲۷ ساله‌ای که تحصیلات کارشناسی دارد، مجرد است و ساکن منطقه ۱۵ می‌باشد، در این ارتباط می‌گوید: "چرا زن‌ها نباید بیان ورزشگاه، جاهای دیگه هم مردها فحش میدن. شاید اگه زن‌ها وارد ورزشگاه بشن چهار تا مرد که حالیشونه بگن به احترام زن‌ها فحش و بد و بیراهو اینا نگین، کم کم فرهنگ سازی بشه."

همچنین محدودیت‌هایی که زنان به لحاظ قانونی در ارتباط با استفاده از برخی وسایل نقلیه مانند موتورسیکلت دارند، از موارد مطرح شده مصاحبه‌شوندگان است.

خانم ۳۸ ساله‌ای که مجرد است و ساکن منطقه ۷ می‌باشد، می‌گوید: "چون پولم به ماشین نمی‌رسه می‌تونم به موتور بخرم ولی نمی‌تونم موتور سوار شم و این برای من دغدغه است نیاز من تو این شهر تأمین نمیشه!"

۹) هنجارهای جنسیتی

یکی دیگر از محدودیت‌هایی که زنان در روابط اجتماعی در فضای شهری با آن مواجه هستند، وجود برخی باورها و نگرش‌هایی است که زنان را به خاطر نوع پوشش، عامل تحریک مردان می‌دانند و یا زمانی که یک زن در معرض تجاوز قرار می‌گیرد، او را مقصر قلمداد می‌کند، و ... که می‌توان از

آنها تحت عنوان هنجارهای جنسیتی یاد کرد. شدت باور به این هنجارها در بین زنان بر حسب سن، تحصیلات، منطقه محل سکونت و اعتقادات، متفاوت است.

در بین مصاحبه‌شوندگان، برخی به این هنجارها باور ندارند و خویشترداری را، هم برای مرد و هم برای زن می‌دانند و محبوب بودن و عفت را فقط برای زنان نمی‌دانند.

خانم ۳۳ ساله‌ای که مجرد است و تحصیلات کارشناسی دارد و ساکن منطقه ۷ است، می‌گوید: "تو تاکسی آقایی، معمولاً با پاهای باز میشین، طعنه میزنن و... ولی جا افتاده که وقتی میگی این اتفاقها برام افتاده، میگن پوششت چطور بود".

مسئله تجاوز، ترس از تجاوز و همچنین، قربانی بودن زنان و از طرفی مقصر دانستن زنان در صورتی که در معرض تجاوز قرار بگیرند، از دیگر موانع حضور زنان در فضای شهری است.

خانم ۳۶ ساله‌ای که مجرد است و تحصیلات کارشناسی ارشد دارد و ساکن منطقه ۶ می‌باشد، در این ارتباط می‌گوید: "درد تجاوز به یه طرف، دردی که نمی‌تونی بگی بهت تجاوز شده یه طرف. بازخواست میشی به جای اینکه درکت کنن. اون وقت شب چرا اونجا بودی، گفتم فلان کار نکن، گفتم فلان لباسو نپوش...".

۱۰) ارزش‌ها و هنجارهای زن نجیب

تعریف نشدن شادی و رفتارهای شاد برای زنان در فضای عمومی و وجود تعصبات شدید نسبت به خانم‌ها از دیگر موانع ساختاری مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان می‌باشد.

خانم ۲۷ ساله‌ای که مجرد است، تحصیلات کارشناسی دارد و ساکن منطقه ۱۵ می‌باشد، می‌گوید: "یه جاهایی مثل کنسرت، یه حرکتی بزنی میان چراغ قوه رو میکنن تو چشت، نمیدونم خانم این کارارو نباید انجام بدی یا یه شهر بازی میخوای بری رو رنجری، میگن پوششتو رعایت کن. تفریحات همش واسه آقاییونه".

همچنین خانم ۴۸ ساله‌ای که تحصیلات دیپلم دارد، متأهل است و ساکن منطقه ۹ می‌باشد، می‌گوید: "یه پارک هست نزدیک خونمون، یه جا حفاظ کشیدن خانم‌ها میان ورزش می‌کنن، آهنگ می‌ذارن، یه سری یه آقایی، رد شد داد می‌زد، ببین اینا چه دوری برداشتن، بذار فلان رئیس بیاد".

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج بدست آمده در این پژوهش، مشکلات و محدودیت‌هایی که زنان در فضاهای شهری با آن مواجه می‌شوند، بر اساس موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی و همچنین تحت تأثیر سرمایه اقتصادی

و فرهنگی، منطقه محل سکونت و کار و تردد، شدت و ضعف می‌تواند داشته باشد، به نحوی که زنان جوان‌تر و شاغل و زنان با سطح درآمد متوسط و پایین‌تر به دلیل اینکه بیشتر در فضاهای شهر در نقاط مختلف، تردد دارند، از وسایل نقلیه عمومی، بیشتر استفاده می‌کنند و در ارتباط با مشکلات و محدودیت‌ها در سطح روابط و تعاملات، تجربه بیشتری دارند. در ارتباط با احساس امنیت زنان، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مناطق مختلف شهر تهران و همچنین در ساعات مختلف شبانه روز متفاوت است. به گونه‌ای که احساس امنیت هم از نظر سرقت و خفت‌گیری و هم از نظر تعرض و آزار و اذیت، در مناطق بالاتر شهر تهران برای زنان بیشتر است، چه زنانی که در این مناطق تردد دارند و چه زنانی که در این مناطق سکونت دارند، احساس امنیت بیشتری حتی در ساعات شب دارند و در مناطق بالاتر شهر تهران، حتی نگاه‌های خیره و آزاردهنده مردانه را کمتر تجربه کرده‌اند، اما در مناطق جنوب شهر حتی در ساعات روز هم احساس عدم امنیت دارند و نگاه‌های آزاردهنده و خیره مردانه را در این مناطق بیشتر تجربه کرده‌اند و بر این نظر هستند که فقر اقتصادی در مناطق جنوب شهر تهران، موجب فقر فرهنگی است. نتایج پژوهش بیات در سال ۱۳۹۶ هم بیانگر تفاوت در احساس ناامنی زنان در مناطق مختلف شهر تهران می‌باشد.

از طرفی، نوع واکنش زنان در برابر موانع و محدودیت‌هایی که در فضاهای شهر تهران با آن مواجه می‌شوند، متفاوت است و زنانی که سرمایه اقتصادی و فرهنگی بالاتری دارند، توانمندی و مهارت بیشتری دارند و به اشکال گوناگون در برابر این موانع و مشکلات مقاومت می‌کنند و با کنشگری فعال، هم در مواقعی که خودشان با این مشکلات مواجه می‌شوند و هم در حمایت از سایر زنانی که در معرض چنین محدودیت‌هایی هستند، سعی در تغییر نوع نگاه به زنان در فضاهای شهری هستند تا زمینه پذیرش آنان در این فضاها بیشتر شود و زنان نیز با آرامش خاطر بیشتری در این فضاها حضور داشته باشند. بنابراین، در فضاهای شهری، بیشتر زنان با سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی بالا به دنبال تأثیرگذاری بر فضا هستند و در برابر کلیشه‌های جنسیتی و آزار و اذیت‌های جنسی مقاومت می‌کنند.

به طور کلی، طبق نظر بوردیو، می‌توان گفت، روابط و تعاملات زنان و مردان در سطح شهر و در سطح جامعه بر اساس یک نظم جنسیتی است که هم زنان و هم مردان در طول تاریخ آن را پذیرفته‌اند و بر اساس چنین نظم جنسیتی، رویکردها و برساخت‌هایی در ارتباط زنانگی و مردانگی شکل گرفته است. مانند تعاریف مربوط به نقش زنانه و نقش مردانه و همچنین عرصه‌های خصوصی و اندرونی برای زنان و فعالیت‌های عمومی برای مردان، تعریف همسری و مادری برای زنان و مردان‌آور برای مردان و بسیاری از کلیشه‌هایی که متأثر از این نظم جنسیتی است. همان‌طور که بوردیو مطرح می‌کند، این نظم جنسیتی که در ناخودآگاه جمعی زنان و مردان قرار گرفته است و کنشگری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نظم جنسیتی مذکور محور است (بوردیو، ۱۴۰۰: ۹) به گونه‌ای که حتی آزار و اذیت‌های

جنسی که زنان در فضاهای شهری با آن مواجه می‌شوند، بر خلاف آنچه تصور می‌شود، همواره فقط تملک جنسی نیست، بلکه در برخی موارد می‌تواند با هدف تملک کامل و اثبات بی‌چون و چرای سلطه مذکر به شکل مطلق باشد (همان: ۴۱). اما مدرنیته و تغییر در سبک زندگی از یک طرف و افزایش آموزش و آگاهی زنان از طرف دیگر موجب شده است تا نوعی دگردیسی در این زمینه به وجود بیاید و زنان در چگونگی این نظم جنسیتی تردید داشته باشند و تلاش در جهت تغییر آن را داشته باشند. بنابراین زنان در پی آن هستند تا فضاهای شهری، زن را با تمام ویژگی‌های جسمی، روحی و روانی و توانمندی‌ها و استعدادها و تخصص‌هایش پذیرا باشد و با حرکت آرام و تدریجی و تحمل مشکلات و پرداخت هزینه‌های احتمالی که در این مسیر با آن مواجه می‌شوند، در پی دستیابی به کنشگری مدنی خلاق و تأثیرگذار هستند. لازمه تحقق چنین اهدافی، مستلزم تغییر در روابط جنسیتی است و کاهش مشکلات و محدودیت‌هایی که زنان در فضاهای شهری با آن مواجه هستند، می‌تواند تحت تأثیر فعالیت و کارکرد نهادهایی مانند خانواده و رسانه و نهادهای آموزشی در جهت تغییر در نگرش‌های جنسیتی و فرهنگ‌سازی پذیرش زنان در عرصه‌های عمومی، صورت گیرد.

خانواده یکی از اصلی‌ترین نهادهایی است که افراد در آن به لحاظ جنسیتی جامعه‌پذیر می‌شوند. به‌طوری‌که می‌توان گفت بر ساخت اجتماعی جنسیت از خانواده و نحوه تربیت و آموزش دختران و پسران و همچنین از روابط پدر و مادر با یکدیگر آغاز می‌شود. الگوهای رفتاری تحقیرآمیز جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی و نقش‌ها و انتظارات جنسیتی از طریق نهاد خانواده در افراد درونی می‌شود. تنظیم برنامه‌هایی در جهت تربیت جنسیتی صحیح که عاری از مرد محوری یا زن محوری است و بیشتر بر مدار انسان محوری است، می‌تواند تأثیر گذار باشد، همچنین با توجه به گرایش روز افزون زنان به فعالیت‌های اجتماعی خارج از خانه، ترویج فرهنگی تنظیم مجدد روابط زن و مرد به لحاظ تقسیم کار جنسیتی در خانه و خانواده بر اساس تعادل و همکاری، ضرورت دارد. همچنین بازنمایی جنسیتی در رسانه مانند تلویزیون، تبلیغات، فیلم‌ها و انیمیشن‌ها که فعالیت‌های خانگی زنان را برجسته می‌کنند، حضور مصرفی و وظایف خانه‌داری را فقط برای زنان به تصویر می‌کشند، اما در فعالیت‌های اجتماعی و مدیریتی، حضور مردان به تصویر کشیده می‌شود، تأثیر به‌سزایی در درونی کردن بسیاری از کلیشه‌های جنسیتی و به رسمیت شناخته نشدن بسیاری از فعالیت‌های زنان در فضای شهری و ناتوان پنداشتن زنان و مردانه تصور کردن بسیاری از فعالیت‌ها در فضای شهری می‌شود. بنابراین تجدید نظر در سیاست‌های تبلیغاتی رسانه و همچنین سینما و تلویزیون و پذیرفته شدن زن به عنوان یک انسان توانمند اجتماعی که در کنار زن بودن، انسان متخصص و مدیر و توانمندی هم می‌تواند باشد و به تصویر کشیدن حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند در کمرنگ‌تر شدن و از بین رفتن کلیشه‌های جنسیتی تأثیر گذار باشد. از طرفی نهادها و محتواهای آموزشی در نشان دادن

تصویر و سیمای زن و مرد و پذیرفته شدن کلیشه‌های جنسیتی مربوط به زنانگی و مردانگی هم تأثیر گذارند. مانند محتوای کتاب‌های درسی و همچنین مردانه زنانه کردن برخی از رشته‌های تحصیلی و عدم وجود شرایط تحصیل در برخی از رشته‌ها برای زنان و بنابراین توجه و به تصویر کشیدن توانمندی‌های علمی زنان و مردان و ایجاد زمینه رشد و پیشرفت علمی هم برای زنان و هم برای مردان و رای از جنسیت، می‌تواند در جهت رشد و شکوفایی تأثیر گذار باشد.

منابع

۱. باعزم، ریحانه؛ سفیری، خدیجه؛ میرزایی، خلیل و عبدالحسین کلانتری (۱۴۰۱) «طرد زنان در فضای شهری»، پژوهش‌نامه زنان، شماره ۲: ۴۵-۸۳.
۲. بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۹) تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
۳. بوردیو، پی‌یر (۱۴۰۰) سلطه مذکر، ترجمه محسن ناصری راد، تهران: آگه.
۴. بهرامی برومند، مرضیه (۱۳۹۵) دیگری در اندرونی: واکاوی فضای جنسیتی، تهران: تیسرا.
۵. بیات، بهرام (۱۳۹۶) «تبیین ارتباط میان فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۲: ۳۲۹-۳۵۰.
۶. بیضائی، میترا و غنچه غروی (۱۳۹۷) «بررسی مؤلفه‌های مؤثر حضور بانوان در فضاهای شهری و تحلیل اثرات تک جنسیتی شدن فضاها (نمونه پژوهش: بوستان بانوان ملت مشهد)»، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۳: ۸۱۰-۸۳۸.
۷. جهانی دولت‌آباد، اسماعیل (۱۳۹۸) «واکاوی پدیده مزاحمت‌های خیابانی فیزیکی با رویکرد مردم‌نگاری»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲: ۱۷-۴۴.
۸. حسینی، محمدرضا؛ تاجبخش، غلامرضا و پرستو سرلک (۱۴۰۱) «تحلیل کیفی خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر و پیامدهای آن (مورد مطالعه: زنان ۲۰-۵۰ ساله شهر بندرعباس)»، پژوهش‌نامه زنان، شماره ۲: ۱۸۹-۲۱۰.
۹. ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۵) «فضاهای فراغتی شهری و زنانگی‌های جدید»، علوم اجتماعی، شماره ۷۳: ۶۲-۹۱.
۱۰. رحمت‌آبادی، الهام (۱۳۸۷) «از اندرونی تا عرصه عمومی»، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۴ و ۲۵: ۹۴-۹۹.
۱۱. رضازاده، راضیه و مریم محمدی (۱۳۸۸) «بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری»، هنرهای زیبا، شماره ۳۸: ۱۰۸-۱۱۴.

۱۲. سوندرز، پیتر (۱۳۹۴) *نظریه اجتماعی و مسأله شهری*، ترجمه محمود شارع‌پور، تهران: تیسرا.
۱۳. شیرخدایی، آناهید (۱۳۹۲) «تولید فضای جنسیتی، بازتولید روابط اجتماعی نابرابر»، *جستارهای شهرسازی*، شماره ۴۳-۴۴: ۱۰۰-۱۰۹.
۱۴. فاضلی، نعمت‌الله و محدثه ضیاچی (۱۳۹۳) «شهر دوستدار زن: شناسایی معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه‌ها و تپ‌های مختلف اجتماعی تهران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال پنجم، شماره سوم: ۵۹-۹۳.
۱۵. کراسلی، نیک و جان مایکل رابرتز (۱۳۹۴) *هابرماس، باختین، بوردیو*، ترجمه محمد مقدس، تهران: روزنه.
۱۶. گرنفل، مایکل (۱۳۸۹) *مفاهیم کلیدی بوردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نقد افکار.
۱۷. مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی-مکانی*، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۸. موسویان، سید مجتبی (۱۳۹۷) «زنان در فضاهای عمومی ایران: تحلیلی از منظر عادت‌واره‌های سرکوب‌شونده»، *هفت شهر*، شماره ۶۱: ۸۰-۸۳.
۱۹. یاران، علی؛ ارجمندی، هانی و مریم مسگریان (۱۳۹۸) «تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر احساس امنیت زنان در فضاهای باز گردشگری شهری (نمونه موردی: خیابان سی تیر تهران)»، *منظر*، دوره ۱۱، شماره ۴۷: ۲۴-۳۷.

20. Bahloul, Joelle (1996), **The Architecture of Memory: Jewish-Muslim household in colonia Algeria, 1937-1962**. Trans. Catherine Du Peloux Menage. Cambridge U. Press.

21. BeeBeejaun, Yaminah (2017) «Gender, urban space, and the right to everyday life», **UrbanAffairs**, Vol. 39, NO.3: 323-334.

22. Guney, yasemin Ince (2014) «Gender and urban space: An examination of a small Anatolian city», **ITUA|Z**, VOL: 11, NO: 2: 153-172.

23. McDowell L (1999) **Gender, Identity & place, Understanding Feminist Geographies**. UK: Polity Press.

24. Niboye, Elliott P. (2023) «Universal or specific? - Violence against women in public spaces in Tanzania: Experiences from public bus stations in Dar es Salaam City», **Social Sciences & Humanities**, 7: 1-15.

25. Rose, P., Beeby, J., & Parker, D. (1995) «Academic rigour in the lived experience of researchers using phenomenological methods in nursing». **Journal of Advanced Nursing**, 21, 1123-1129.

26. Rush, Liz M. (2012) «An Auto ethnography of Fuencarral 43: Women in Masculine Public Space», **the journal for undergraduate Ethnography**, Volume2: 1-13.

27. Rusu, Mihai S. (2022) «Gendering Urban Namescapes: The Gender Politics of Street Names in an Eastern European City», **NAMES**, Vol. 70, No. 2: 12-25.

28. Streubert. Helen J & Carpenter, Dona Rinaldi (2011) **Qualitative Research in Nursing: advancing the humanistic imperative**, London: Wolters Kluwer Health | Lippincott Williams & Wilkins.

29. Zieleniec, Andrzej (2007) **Space and Social Theory**, London: Sage Publications.